

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند جان و خرد که از این برتر اندیشه برنگذرد

خداوند جان و خداوند رای خداوند روزی ده و رهنمای

(حکیم ابوالقاسم فردوسی)

خداوند را سپاس بینهایت شاید که جان را فکرت آموخت و پیامبران را هدایت گران عقل و خرد قرار داد. سپاس دائم او را زبید که آغازین کلام وحی را بر آخرین منجی، خواندن و قرائت امر نمود و معجزه اش را کتاب و علما را وارثان پیامبر قرار داد و گفت:

فاسئلوا هل الذکر ان کنتم لا تعلمون (قرآن کریم سوره نمل، آیه ۴۳).

همچنین قدردانی و سپاس برای انسانهای والا و پاک نهادی است که مرا به راه رشد و صلاح رهنمون بودند چون پدر و مادر، که مرا در کوچکی پروریدند و معلمانم که مرا در نوجوانی آموختند و اساتیدم که در جوانی مثل ستارگان هدایت کننده بودند.

... و اکنون بر خود واجب می دانم که از تک تک ایشان تشکر نمایم و جبین فروتنی بر ساحت حضورشان فرو نهم.

از استاد فرزانه و دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر علم که در مشقات تهیه این پایان نامه راهنمایم بود کمال امتنان و تشکر را دارم. همچنین صمیمانه ترین قدردانی را از استاد جباری به عنوان استاد مشاورم دارم که چون پدری دلسوز یاری ام نمود.

بدین سان خالصانه ترین تشکرات را نثار اساتید زحمتکش و بی بدیلم در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران و گروه تاریخ می نمایم، آقایان دکتر خدایی، دکتر میلانی، دکتر بحرانی و خصوصاً استاد فرزانه و گرانقدر دکتر قیّم که همواره صداقت و مساعداتش مرا رهین لطفش می نماید.

در اینجا از کلیه همکاران عزیزم در قسمت های مختلف دانشکده ادبیات و علوم انسانی از کتابخانه شامل خانم ها موسوی، اصولی، کبیری ... تا فرد فرد آنهايي که در اینجا نام شریفشان نمی گنجد، سپاسگذاری نموده و برایشان سربلندی و سلامتی مسئلت می نمایم.

به نام خدا

چکیده پایان نامه

نام خانوادگی: بينا	نام: سید حسن
عنوان پایان نامه: بررسی جایگاه شیعیان عربستان سعودی در روابط ایران و عربستان سعودی و نقش آن در تأمین منافع ملی ایران	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: تاریخ گرایش: مطالعات خلیج فارس محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۹/۱۲/ ۱۶	تعداد صفحه: ۱۲۵
کلید واژه ها: تشیع ، نفت ، ایران ، عربستان سعودی ، منافع ملی ، روابط خارجی	
چکیده منطقه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خلیج فارس باتوجه به نقش مهم اقتصادی و سیاسی نفت و انرژی آن دارای جایگاه بسیار مهمی در سیاستهای راهبردی منطقه ای می باشد. در این راستا نزدیکی کشورهای این منطقه به یکدیگر باعث ثبات و تضمین هر چه بیشتر منافع مشترک می گردد. در پژوهش پیش رو پتانسیل و توان بالقوه مذهبی و نیز منافع ملی دو کشور ایران و عربستان سعودی با توجه به موقعیت استان شرقیه عربستان سعودی بررسی شده است. بر اساس نتایج این پژوهش ، موارد ذکر شده از جمله وجود اقلیت شیعه در استان شرقیه و نیز نفت خیز بودن این ناحیه، در کنار لزوم اتخاذ سیاستهای استراتژیک و در عین حال واقع نگرانه از سوی ایران در بحث تأمین منافع ملی، با عنایت به سوابق ارتباطات دو کشور، لازم است بعنوان یک راهبرد جامع ، مورد ارزیابی قرار گیرد.	

پیش درآمد:

عربستان سعودی از حیث ژئوپلیتیک و ژئواکونومی کشوری کم نظیر در برهه زمانی جهان معاصر بوده که با قرار داشتن بین موقعیت ارتباطی آسیا، آفریقا و قلب خاورمیانه، در تولید و ترانزیت نفت در سطح بین المللی مشارکتی فعال دارد.

مضاف بر این شرایط جغرافیایی و اقتصادی، مرکز معنوی جهان اسلام و خاستگاه این دین بوده و با در اختیار داشتن دو شهر مقدس مسلمین (مکه و مدینه) از بی نظیرترین دارایی ارزشمند معنوی در بین کشورهای جهان اسلام برخوردار می باشد. همین سه ویژگی دست به دست هم در تبدیل شدن این کشور به یکی از مراکز مهم جهانی و وزنه ای در محاسبات راهبردی منطقه جنوب غرب آسیا و همچنین صاحب نفوذ در تصمیم سازی های بین المللی و منطقه ای کمک شایانی می کند.

همسایگی این کشور با ایران و برخورداری ایران نیز به صورت متقابل از برخی چنین ویژگی های منحصر به فرد، به همراه سابقه تمدنی چند هزار ساله و قطب جهان تشیع بودن آن و در ضمن دارنده کم نظیرترین منابع عظیم انرژی و مواد معدنی، موقعیت ترانزیتی و جمعیتی و...، فرصت های عظیم و متنوعی را از حیث تأمین منافع ملی در اختیار ایران قرار داده است.

قطعاً در صورت هم افزایی صحیح این توانایی ها و با عبور از موانع سیاسی و مذهبی و در عوض تحکیم پیوندهای مشترک، افقی جدید و پربار برای منافع هر دو کشور ایران و عربستان سعودی تضمین گشته و تضادهای تاریخی و مشکلات موجود در کلیه عرصه های فراروی منطقه ای و جهان اسلام تا بالاترین درصد ها رفع گشته و بدین نحو منافع دو کشور نیز بالطبع، تأمین خواهد شد.

در این بین افزایش آگاهی مسئولین زیربط هر دو کشور از چنین فرصت هایی و عدم اجازه به برخی سوء استفاده های جریانات داخلی ناآگاه و یا مغرض خارجی، اولین مرحله از پیمایش این راه بوده که ناگزیر به لحاظ واقعیات موجود باید فوراً در دستور کار مقامات سیاسی و تا حدودی مذهبی هر دو کشور قرار گیرد. با این اقدامات، شکوفایی اقتصادی منطقه در فضای امنیت پایدار و در عین حال تقویت مواضع کشورهای اسلامی جهت گسترش نقش بین المللی ایشان عملی می گردد.

در غیر این صورت علاوه بر ایجاد تهدیدات به جای سیاست استفاده بهینه از فرصت ها ، دست اجانب فرا منطقه ای که سنخیتی با اهداف سیاسی و مذهبی این دو کشور اسلامی نداشته، باز شده و تامین منافع ملی هر دو کشور با کمترین درصدهای بازدهی ، همواره در معرض هجوم برنامه های تجزیه طلبانه و جنگها و برنامه های تسلیحاتی و با دیدی خوشبینانه، خنثی سازی توطئه ها قرار می گیرد. قطعاً از این رهگذر حیاتی ترین موجوی های هویتی سیاسی و اقتصادی دو کشور در معرض دخالت و حتی استثمار قدرت های فرا منطقه ای بوده و یا در جهت تامین اهداف بلند مدتشان، قرار خواهد گرفت.

در این راستا منطقه شرق عربستان سعودی با داشتن عمده ترین منابع عظیم نفتی و نوار ساحلی در خلیج فارس، به همراه فرهنگ تاریخی تشیع در بین اکثریت ساکنین این منطقه، به عنوان یک مرکز استراتژیک اقتصادی و مذهبی کانون توجه سیاست مداران هر دو کشور ایران و عربستان بوده و استفاده بهینه و راهبردی از این فرصت، بسته به نحوه عملکرد و صرف دقت در سیاست های کلی و جزئی داشته که کاربرد این سیاست ها چه در عرصه اهداف اقتصادی ، سیاسی و یا مذهبی باید با راهبرد تامین منافع ملی هر دو کشور سازگار باشد. در غیر این صورت هیچ یک از این دو کشور طرفی نبسته و سود عرصه های مذکور برای دیگران تأمین و تهدیدات آنها نیز همواره دامن گیر منطقه خواهد شد.

مقدمه

تاریخ منطقه خلیج فارس در ادوار مختلف خود شامل غلبه برخی از اقوام و تمدنهای ساحلی آن و یا متأثر شدن از قدرتهای فراساحلی و حتی فرا منطقه ای بوده است. در این بین دو کشور ایران و عربستان در دوره معاصر، همواره نوعی تسلط و تفوق را بر این منطقه ژئوپلیتیک در نظر داشته و برای آن طرح هایی داشته اند.

وجود برخی از عوامل مشترک و نیز واقعیت وجود برخی از تضادها و اختلافات، زمینه ساز همگراییها و واگراییهایی در بین روابط این دو کشور مهم منطقه، بوده است. شناخت ریشه های اشتراک و بسط زمینه های همکاری و نیز آشنایی با سوابق تاریخی روابط دو کشور و لحاظ حساسیتهای متقابل می تواند در نزدیکی استراتژیک هر دو کشور در یک مسیر همکاری راهبردی منتهی شود. لزوم اتخاذ چنین سیاستی، با توجه به اوضاع و احوال کنونی جهان و نقش دو کشور در تثبیت منطقه و تأمین منافع آن دو از رهگذر سیاست همکاری و تعامل مشترک، امری واضح و لازم می باشد.

در این بین وجود تفکر جهانی شدن و نیز تجربه موفق تشکیل اتحادیه ها و گروههای سیاسی، اقتصادی و نظامی و ... بعنوان مسیری عملی و دارای حداکثر سود تضمینی برای تأمین منافع دو کشور و حتی سایر دولتهای منطقه ای، حائز اهمیت است. بعنوان دانشجوی تاریخ مطالعات خلیج فارس، شناخت و تمرکز بر جنبه های مشترک، باعث راهنمایی ام به سوی تحقیق در این زمینه ها شد که حاصل آن آشنایی هر چه بیشتر با طیفی گسترده از تنوعات از قبیل اقلیتهای مذهبی در کنار تنش های بالقوه عقیدتی تا وجود ظرفیتهای همکاریهای اقتصادی در منطقه شد. سؤال عمده و در عین حال پرسش تحقیق من آنست که آیا با وجود اختلافات مذهبی و برداشتهای عقیدتی متفاوت می توان به نوعی وحدت سیاسی و حتی اقتصادی در منطقه دست یافت؟

برای دست یابی به جواب این پرسش لازم بود که جغرافیا و تاریخ سرزمین عربستان سعودی بررسی بشود و با نگاهی از آن سو به قضایای فوق نگریسته شود. از این رو اولین سؤال که در ذهنم پیش آمد آن بود که وضعیت پراکندگی جغرافیایی و موقعیت سرزمین عربستان سعودی چگونه می باشد؟ فصل اول به این موارد می پردازد.

آنچه مبرهن است آنکه تا بحال در باب مسائل ایران و عربستان کمتر به تحقیق همه جانبه ای پرداخته شده و بیشتر تحقیقات نیز متضمن برخی نکات سیاسی و مذهبی و یا اقتصادی بوده که بعضاً بدور از ارائه رویکرد راهبردی کاربردی و مستند به حوادث تاریخی بین دو سرزمین می باشد. به عبارت دگر نهایتاً چه راهبردی باید از سوی مسئولین ایرانی اتخاذ گردد؟

به نظر می رسد برخی از این کارشناسان هم عمده ترین عوامل جدایی و حتی درگیری سیاسی و رقابت‌های حاشیه ای در تاریخ جدید دو سرزمین ایران و عربستان را برخاسته از قضایای عقیدتی و مذهبی می دانند. نظر به این روند اختلافی که تأثیرات آن تا زمینه های سیاسی و اقتصادی نیز موثر بوده است فصل دوم را تحقیق پیرامون اقلیتهای مذهبی شیعه و انشعابات آنها پرداخته ام.

از سویی پراکندگی این اقلیتهای مذهبی و نیز گروههای سیاسی با مرامهای مختلف و اعتقادات بعضاً مخالف رژیم آل سعودی در فصل دوم کتاب بصورت مجمل به پژوهش گذاشته شده است. سوال مطرح در این فصل آن است که مفهوم شیعه چه بوده و در حال حاضر وضعیت عقیدتی و موقعیت سیاسی ایشان چگونه می باشد؟ بیشترین شباهت و تجانس مذهبی و سیاسی با ایران در کجای سرزمین عربستان سعودی می باشد؟

در فصل سوم روابط ایران با عربستان را بصورت ادوار تاریخی بویژه در یکصد سال اخیر به کنکاش پرداخته ام و از این رهگذر بیشتر جنبه سیاسی را مورد توجه قرار داده ام. در این راستا توجه به اقلیت شیعیان امامیه در استان شرقیه و پیدا کردن دلایل اهمیت استان شرقیه با توجه به سابقه ارتباط ایران و عربستان و تأثیر آن بر این روابط، مورد سوال بوده است. به عبارتی آیا این جامعه شیعیان منطقه شرقیه در قرن اخیر جایگاهی در سیاستهای تعاملی ایران با عربستان سعودی داشته است یا نه؟

آیا حضور شیعیان در استان شرقیه برای منافع ملی ایران می تواند فوایدی در برداشته باشد؟ و از سویی انقلاب اسلامی ایران چه تأثیراتی بر روند اجتماعی و سیاسی آنها داشته است؟

در فصل چهارم با استناد و ارائه تعاریفی از مبانی علوم سیاسی ، به تعریف جایگاه اقتصادی و سیاسی استان شرقیه پرداخته ایم. در این فصل سعی کرده ایم تا علت اصلی اهمیت استان شرقیه در معادلات منطقه ای را روشن نمایم. در واقع اشاره به این نکته که منافع ملی عربستان در گرو

حفظ ثبات و موقعیت مهم استان شرقیه بلحاظ اقتصادی و ژئوپلتیک بوده که از این حیث کاملاً شبیه اوضاع جنوب ایران و شرایط این کشور در منطقه خلیج فارس می باشد.

پس پاسخ این پرسش که علل اهمیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک استان شرقیه چیست؟ در این فصل جواب داده شده است و با رویکردی علمی، در باب نقش نفت و اهمیت جهانی و روزافزون انرژی بر سیاستهای استراتژیک کشورها و همچنین واقعیت وجود ذخایر قابل توجه این منطقه (استان شرقیه) بحث شده است.

در فصل پنجم سعی شده تا به این پرسشها پاسخ داده شود که چرا اصولاً آغاز سیاستهای گوناگون پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مسیری تعامل گرا نبوده و در حال حاضر چه روندی را طی می کند؟ بهترین راهبرد در این میان چیست؟ آیا ایران و عربستان در ابعاد زمینه های همکاری و تشریک مساعی اهداف واحد می توانند داشته باشند؟ و آیا شیعیان استان شرقیه در این بین و در این سیاستها جایگاهی دارند؟ و سرانجام اینکه، وظیفه ایران در بهره برداری از پتانسیل بالقوه این اقلیت متناجس مذهبی با ایران، در قالب یک سیاست راهبردی چیست؟

با ارائه پیشنهاداتی برگرفته از سه دهه تاریخ روابط ایران و عربستان سعودی سعی شده تا در قسمت نتیجه راهکارهایی متناسب با سئوالات اخیر فراهم گشته و بنحوی تلاشی جهت دست یابی به مسیری کوتاه و کم هزینه جهت حفظ منافع ملی ایران و حتی منافع متقابل دو کشور همسایه در منطقه خلیج فارس پیدا شود. در واقع تحلیل و برآورد علمی تاریخ ارتباطات ایران و عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی بصورت تجربی و عینی منجر به دستیابی راهبردی می گردد که فرضیه این پژوهش بوده و با سر لوحه قرار دادن آن توسط مسئولین زیربط و تصمیم ساز می توان ضمن تأمین منافع ملی ایران در منطقه خلیج فارس، به زمینه های هم افزایی در سایر عرصه های منطقه ای نائل آمد.

بررسی و نقد منابع و مآخذ:

از آنجا که کسب آگاهی در مورد یک موضوع مطالعاتی و آن هم از سنخ علوم انسانی، مستلزم شناخت و تحلیل همزمان مسائل همه جانبه آن گزینه می باشد، لاجرم لزوم جمع بندی و تلخیص تحقیق، همواره امری بدیع و سخت می باشد.

علمی از قبیل تاریخ و جغرافیا اکنون دو زمینه وسیع در علوم انسانی بوده و چنانچه مسائل سیاسی و اجتماعی نیز بر آنها افزوده شود، انجام چنین کاری سخت و دشوارتر می نماید. این حوزه های گسترده مطالعاتی و آنهم متمرکز در زمینه خاص مطالعات منطقه ای همچون خلیج فارس، نیازمند شناخت سابقه ی تاریخی آن پدیده بعنوان عاملی مشترک در عرصه های پژوهشی مذکور و البته بعنوان شرط حداقل می باشد.

از این منظر است که در رشته تاریخ مطالعات خلیج فارس، موضوع مطالعه، ضرورت وجود اطلاعاتی از جنس تاریخ و جغرافیا را سرلوحه ی کار خویش داشته و در همین راستا مطالعه و تحقیق در گروه های علمی ذیل، جزء حداقل شرایط لازم برای موضوعات تحقیقاتی آن می باشد:

- جغرافیا
- تاریخ
- علوم سیاسی
- علوم دینی
- علوم اجتماعی

اما براستی آیا بر فرض آگاهی نسبی از علوم فوق می توان ادعا نمود که تحلیل و حاصل کار چنین تحقیق تاریخی، کامل و جامع می باشد؟

اساتید پیش کسوت در صحت چنین ادعایی شک دارند چرا که تاریخ روندی پویاست و درضمن پوشش کامل و تحقق جامع در این باب از عهده هر فردی با توجه به محدودیت های پیش رویش خارج است. نتیجه آنکه برای مقوله ی فوق الذکر باید به جمع آوری در موضوعات خاص پرداخت و با نگاهی تحلیلی و در قالبی تطبیقی، سعی در برداشت کلیات،

جهت راهنمایی در مسائل پیش روی و به عبارت دیگر کشف موارد مشابه از وقایع پرداخت و این اساس کار مطالعات تاریخی و از جمله تحقیق پیش رو می باشد.

با اطلاع از بین رشته ای بودن این تحقیق، در باب مسائل جغرافیا سعی کردم تا ضمن استفاده بردن از تکنیک های جدید تصویربرداری شامل اینترنت و ماهواره (به واسطه استفاده از سایت اینترنتی Google search)، سراغ کتاب های مرجع در زمینه نقشه برداری و عوارض نگاری بروم که در این زمینه کتاب جدید و جامع « اطلس جامع گیتاشناسی » و نیز سایت علمی و معتبر Wikipedia بعنوان دانشنامه آنلاین و آزاد مورد استناد بودند و سایر مرجع ها از قبیل اطلس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح کشورمان در کنار دقیق ترین تصویر نگاری های مرزی، گیاهی، پوشش انسانی و عوارض طبیعی و منابع زیرزمینی در این مرجع جغرافیایی قرار داشت.

در زمینه تاریخ، لازم به ذکر است که کلیه فروع آن از قبیل باستان، ایران و حتی جهان و صد البته اسلام مورد نیاز بوده که توانایی اینجانب در مدت یک سال تحقیق به لحاظ برخی محدودیتها بیشتر متوجه فرق شیعه و پراکندگی و اوضاع سیاسی ایشان و منافع حال ایران و تا حدودی کمتر، سیری گذرا بر مسائل جاری جهان و اندکی مطالعات باستان شد. به همین جهت، کتاب های نسبتاً جدیدی که خاص مطالعات منطقه ای می باشد، بیشتر مورد استفاده قرار گرفتند که از اهم آنها کتاب خلیج فارس و مسائل آن نوشته ی دکتر همایون الهی بود. در این کتاب به صورتی کلی و گذرا در تاریخ و با تخصصی موشکافانه و تحلیلی که ویژه نویسنده می باشد، جزئیات مطالب مورد تحقیق گنجانده شده بود. فصل های دوم، چهارم و پنجم کتاب مذکور، مورد استفاده قرار گرفت. ناگفته نماند که سوابق دکتر الهی و تحقیقات ژرف ایشان به همراه اشارات مستند و شرح پاورقی برخی جزئیات، کمتر ابهامی جهت ایجاد سوالات مفهومی و یا شک در تحلیلها را باقی می گذارد.

در این پایان نامه سعی شد چارچوب کار برگرفته از کتاب فوق باشد و در تبیین موضوع پایان نامه از شیوه ویژه آن استفاده شود. با این حال ضعف خاص این روش، نوعی کلی گویی و واگرایی نسبی به موضع مورد تحقیق است که در لابه لای مفاهیم انتقالی آن، موارد جزئی و خاص به صورت اجزایی پراکنده، به موضوعات متفرقه وصل می شوند و در مجموع کلیتی جدید را پدید می آورد. به هر حال باید پذیرفت که تحلیل و تفهیم در میان مطالعات بین رشته ای، ویژه این روش بوده و گریزی از آن نیست.

کتاب « تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار » که نویسنده آن دکتر محمد باقر وثوقی از اساتید گروه تاریخ دانشگاه تهران می باشد، تحلیل هایی جالب و بدیعی را ارائه داده که از حیث تحقیقات تاریخی خلیج فارس، جامع و در عین حال روان از حیث نگارش می باشد .

البته در برخی از مباحث تحلیلی و نیز تشریح علل حوادث سیاسی بین الملل و منطقه ای به نظر می رسد بر گرفته از برخی محدودیت های تجربی و استنادی، به درجه اهمیت کتاب خلیج فارس و مسائل آن از دکتر الهی نمی رسد و نگرش کلی کتاب بیشتر تاریخی ، توصیفی می باشد. فصل های چهاردهم و پانزدهم و هفتم این کتاب با محوریت تحولات عربستان کمک شایانی به این تحقیق نمودند .

در عرصه ی علوم دینی و در مباحث پیرامون فرق اسلامی، کتاب « فرهنگ فرق اسلامی » نوشته دکتر محمد جواد شکور از کتب معتبر داخلی بوده که فصل دوم این پایان نامه بیشتر متکی بر تحقیقات تاریخ اسلام و فرق اسلامی ایشان بود.

فرقه های شیعی اسماعیلیه و زیدیه و برخی ویژگی های ایشان در این کتاب به نحوی بی طرفانه مورد شرح و بررسی قرار گرفته و از این حیث جامع و خلاصه می باشد. قالب الفبایی داشتن فرق اسلامی در این فرهنگ لغت نوعی تسهیل برای محققین محسوب شده و بررسی کلیه انشعابات فرقه ای را نیز بطور نسبی در تاریخ اسلام ممکن می سازد .

در زمینه علوم سیاسی کتاب نفیس « اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل » نوشته ی دکتر سید عبد العلی قوام توضیحات خوبی را در زمینه ی مفاهیم اولیه و بنیادی علوم سیاسی ارائه می دهد که نظر به مرجع بودن آن در تحقیقات علوم سیاسی و روابط بین الملل و داشتن قلمی شیوا و ساده، فصل های چهارم و پنجم و ششم این کتاب در زمینه های مذکور، بیشترین مساعدت را به این رساله نموده است. بررسی عمیق با درج مثال از موارد تاریخی و حقوقی رخدادهای بین المللی از ویژگی های این کتاب محسوب می شود .

در مباحث تخصصی پیرامون موضوع پایان نامه که شامل مسائل عربستان سعودی و روابط آن با ایران می شود، کتاب « سیاست و حکومت در عربستان سعودی » نوشته سید داوود آقایی به عنوان یکی از اولین کتب و تحقیقات صرفاً سیاسی و با محوریت روابط ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی می باشد. با این حال، اندکی فضای متأثر از برهه جنگ تحمیلی در برخی از این

نوشتار به چشم می آید، اما برای بررسی روابط دو کشور و ارائه تحلیل هایی در آن مقطع زمانی، فواید بسیاری در بر دارد. فصل های اول و پنجم این کتاب، بیشترین استفاده را به این رساله داده اند.

همچنین کتاب « نظام آل سعود » که به فاصله ی اندکی پس از حادثه کشتار مکه در سال ۱۳۶۶ شمسی توسط آقای نورالدین شیرازی نگاشته شده به عنوان یکی از اولین کتب ایرانی با رویکرد تحقیقاتی پیرامون خاندان سعودی بوده که هرچند به سبک تحقیقات امروزی نیست و لیکن ضمن ارائه توصیفات و موارد تاریخی همراه با تحلیل، سیری واحد از تاریخ حکومت سوم آل سعود و دخالت قدرتهای فرامنطقه ای از جمله بریتانیا و آمریکا را در تداوم بقای این خاندان ارائه می دهد.

در این کتاب نیز به نوعی تأثیرات فضای انقلابی و جنگ تحمیلی تا حدودی بر برخی از نتیجه گیری های تحلیلی آن سایه افکنده ولی با این حال، مطالب آن در چارچوب توصیف تاریخی بوده و قابلیت ارائه و استنتاج تحلیل بی طرفانه و مضافاً ردیابی علل حوادث رخ داده را توسط خواننده، دارا می باشد.

ذکر این نکته لازم است که در لابه لای این نوشتار، از کتب مختلف علوم سیاسی و مسائل بین المللی استفاده شده که به لحاظ مستندات قابل بازبینی و نیز در دسترس بودن و همچنین ارائه تحلیل های علمی و مستند امروزی و با توجه به تحولات اخیر منطقه، بهره برداری نسبتاً زیادی صورت گرفته است.

بعنوان مثال کتابهای « الگوهای اعتمادسازی در خلیج فارس » نوشته طاهره ابراهیمی فر و نیز کتاب « برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی و سیاسی) » نوشته نجف زراعت پیشه از اهم آنها محسوب می شوند. لازم بذکر است که جامع شدن مباحث نسبتاً پراکنده در کنار حفظ چارچوب تحقیقات علمی و بررسی های منطقه ای بصورت فهرست وار از ویژگی های این سری کتب جدید بوده و الگویی برای تحقیقات آینده در موارد مطالعات منطقه ای محسوب می شوند.

منابع خارجی:

با توجه به مضمون ضرب المثل عربی " اهل بیت به امور خانه آشنا ترند " فلذا شخصیتی چون فؤاد ابراهیم، سردبیر مجله الجزیره العربیه و یکی از شیعیان مخالف و لندن نشین عربستان سعودی و بعنوان کسی که در کلیه فعالیت های چهار دهه اخیر در عرصه فعالیت های سیاسی و مذهبی شیعیان عربستان سعودی و بویژه منطقه ی قطیف و الاحساء حضوری گسترده داشته، از شخصیتی معتبر در قضاوت های ویژه این مبحث نوشتاری و البته فعالیت های بین المللی شیعیان مذکور، مطرح می باشد.

تحلیل های رسانه ای وی در کنار کارهای مکتوبی چون کتاب شیعیان عربستان سعودی از وی چهره ای شاخص و صاحب نظر ساخته است. کتاب «شیعیان عربستان سعودی» بیشترین استفاده را در قیاس با سایر کتب خارجی اشاره شده در این تحقیق در بر داشته است. هفت فصل این کتاب به صورتی دقیق و قابل استناد، فعالیت های سیاسی و اجتماعی دهه های اخیر شیعیان منطقه شرقیه را به تصویر کشیده و نقش ایران را نیز در مواردی و به صورتی بی طرفانه شرح داده است.

با اشاره مجدد به ضرب المثل فوق الذکر، کلیه فصلهای این کتاب مورد مطالعه و استناد بوده و محور اصلی این پایان نامه در ارجاع و الگو برداری، محسوب می گردد. در این کتاب نیز نوعی مخالفت و جهت گیری نسبت به خاندان آل سعود حس می شود که با دقت در سابقه نویسنده، چندان غیر طبیعی نبوده و قابل درک است. اما این واقعیت، تأثیری در شرح وقایع و پرباری تحلیل های قابل برداشت کتاب نداشته و خواننده از مسیر علل و اسباب تحولات منطقه ای و بین المللی، دور نمی افتد.

همچنین کتاب دیگر این نویسنده با نام «شیعیان در جهان عرب مدرن، عربستان سعودی» به ارائه آخرین تحولات سیاسی و اجتماعی عربستان سعودی با توجه به اقلیت شیعه این کشور پرداخته که سبک نگارش و نحوه تحلیلها و نتیجه گیریهای آن تفاوت چندانی با کتاب دیگر وی نداشته است.

در باب مسائل سیاسی و اجتماعی بویژه در دوران جنگ سرد کتاب «عربستان بی سلاطین» نوشته فرد هالیدی نگاهی نسبتاً بی طرفانه به ابعاد سیاسی شبه جزیره عربی در کل داشته و در

این بین کشور عربستان سعودی را نیز همراه با استنادات تاریخی دخالت های آن در مسائل سیاسی همسایگانش، به توصیف پرداخته و از این حیث کتابی مرجع در زمینه ی تحولات عربستان سعودی در دهه های اخیر محسوب می شود.

صفحات ۳۳ الی ۸۵ از فصل عربستان سعودی و نیز برخی استنادات تاریخی دخالت عربستان سعودی در امور کشورهای همسایه اش در این کتاب و به صورت فصل های پراکنده، بیانگر فعالیتهای دیپلماتیک و سیاسی و بعضاً فعل و انفعالات نظامی خاندان سعودی در مسند قدرت و اولویت حفظ آن می باشد. ارائه توصیفات تاریخی در کنار شرح برخی از حوادث رخ داده از قلم یک تحلیل گر سیاسی اروپایی معاصر و دارای دیدگاهی منتقدانه و بویژه در باب دخالتهای ابرقدرتها در منطقه، از ویژگی های بارز این کتاب می باشد.

فصل اول

کلیاتی پیرامون جغرافیا و تاریخ

عربستان سعودی

سرزمین عربستان سعودی

سرزمین عربستان سعودی که تقریباً چهار پنجم شبه جزیره عربستان را بخود اختصاص داده است، در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه بوده و بلحاظ معادلات جهانی در منطقه وسیعتر و ژئواستراتژیک جنوب غرب آسیا واقع شده است. این کشور تقریباً با داشتن مساحت دو کشور ایران و عراق در حدود ۲/۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع بعنوان سیزدهمین کشور وسیع جهان شناخته می شود^۱.

شبه جزیره عربستان در واقع از حیث جغرافیایی در حساسترین شاه راه ارتباطی جهان از قدیم تا بحال قرار گرفته که شامل پس کرانه های دریای مدیترانه در شمال آن، دریای سرخ در غرب و دریای عمان در جنوب و نهایتاً خلیج فارس در شرق آن می باشد.

"عربستان سعودی با اکثر کشورهای جزیره العرب همجواری داشته از جمله اردن و عراق در شمال، یمن و عمان در جنوب و کویت، قطر، بحرین، امارات متحده ی عربی در شرق و با احتساب مرزهای آبی تقریباً با کلیه کشورهای عربی منطقه، مرز مشترک دارد."^۲

با توجه به قرار گرفتن این سرزمین در کمربند نسبتاً حاره و خشک کویری که بنحوی پراکنده از سواحل شمال غربی آفریقا در اقیانوس اطلس به موازات مدار رأس السرطان از شرق آفریقا وارد شبه جزیره عربستان شده و تا حدود زیادی ایران را بهمراه پاکستان در بر می گیرد. نهایتاً در شمال غرب شبه جزیره هند و غرب چین پایان می یابد. مناطق خشک و لم یزرع آن فراوان و نفوس بشری کمتر در قیاس با مناطق شمالی و جنوبی این مسیر سکونت داشته است. با این وجود تمدن های قدیم مصر و بین النهرین و جنوب ایران باستان در این مسیر شکل گرفته و تهیه و نگهداری آب و پرداختن به کشاورزی در چنین شرایط بد آب و هوایی همواره از امور خارق العاده این تمدن ها، محسوب می شده است.

با توجه به بالا بودن میانگین دما (بیش از ۳۰ درجه سانتی گراد) در مناطق مذکور و بویژه در سرزمین عربستان؛ وجود بیابان و صحراهای خشک از عوامل موثر در شیوه ی زندگی مردم این

۱- بختیاری، سعید، اطلس جامع گیتاشناسی، انتشارات واحد پژوهش و تالیف گیتاشناسی، تهران، ۱۳۸۸، ص ۸۹.
۲- هالیدی، فرد، عربستان بی سلاطین، ترجمه بهرام افراسیابی، چاپ دوم، انتشارات روزبهان، تهران، ۱۳۶۰، صفحه ۴۰.

مناطق بوده و ساختن سد، قنات و نیز متأثر از فقدان آب و دوام خشکسالی، مهاجرت‌های گسترده و زندگی کوچ نشین و سیار، از شیوه‌های رایج امرار معاش در این مناطق بوده است.

در عربستان دو صحرای خشک النفود و ربع الخالی که به ترتیب در شمال و جنوب شبه جزیره قرار گرفته اند، نوعی از زندگی صحراگردی و قبیله‌ای بوجود آورده که عامل وحدت جوامع انسانی در آن برخلاف سایر مناطق جهان زمینی نبوده بلکه ریشه‌های خویشاوند و خونی و نهایتاً قبیله‌ای در محوریت این تجمعات نقش داشته است.

"به واسطه‌ی آب و هوای نامساعد که نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در سایر نواحی گرم و خشک و کم باران است، زندگی کوچ نشینی چوپانی، اساس نظام اقتصادی این سرزمین را تشکیل می‌داد و تا شصت سال پیش (یعنی پس از جنگ دوم جهانی) هنوز یک چهارم از مردم کشور عربستان سعودی کوچ نشین بودند. یک چهارم دیگر در اطراف مناطق دارای آب و در آبادی‌ها سکونت داشتند و نیم دیگر که عبارت باشند از ماهیگیران و افزارمندان و بازرگانان و خرده کشاورزان در شهرهای کوچک قدیم مانند ریاض، مدینه منوره و مکه معظمه که امروزه آنها را به شهرهای متجدد تبدیل کرده اند، زندگی می‌کردند."^۱

^۱- شیرازی، نورالدین، نظام آل سعود، انتشارات فراندیش، ۱۳۶۷، ص ۱۷.

اقوام و تمدنهای گذشته عربستان سعودی

در مورد اقوام و تمدن های گذشته سرزمین عربستان سعودی که در میان مکتوبات قوم یهود از آنان ذکر شده و تا کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن نیز تداوم داشته است می توان به اقوام عاد و ثمود اشاره نمود . همچنین برخی از کلمات بکار رفته در قرآن دارای معانی جغرافیایی و تاریخی ضمنی نیز می باشد که از آن جمله احقاف بوده که به معنی تپه های رمل که بی ترتیب پدید و ناپدید می شوند؛ و نیز سرزمینی که در شمال منطقه حضرموت واقع شده که در شرق آن عمان و در شمال شرق صحرای ربع الخالی بوده و آنرا الدّهناء می نامند به این صورت جغرافیایی دیده می شود و از حضرموت گرفته تا نجران امتداد می یابد. در میان آن قبیله ای بود به نام عاد که در قرآن می فرماید: (واذکر أخیاعادِ إذ أنذر قومہ بالاحقاف)^۱ و یاد کن از برادر (قبیله) عاد، هنگامی که بیم کرد قومش را در (زمین) احقاف (و او هود نبی بود).

پس ریگستان احقاف که از عمان گرفته تا یمن ممتد می شود در یک زمانی بوسیله ی چاه یا قنوات آباد شده بود و بعد به سبب وزیدن بادهای تند ویرانه گشت. بعد از قوم عاد قبیله ای که به نام عاد ثانی یا ثمود معروف شد (قوم حضرت صالح) در شمال مدینه و در غرب عربستان ساکن شدند. همچنین مسکن اقوامی چون طسم، جدیس در این سرزمین بوده که در کل تخمین موقعیت آنها چنین بوده است:

قوم عاد در جنوب و مشرق عربستان که از حضرموت گرفته تا خلیج فارس ممتد می شود و قوم ثمود که در شمال و مغرب یا حجاز تا شبه جزیره سینا بوده اند و نیز طسم و جدیس در یمامه و معین در یمن.^۲

عمدتاً بیشتر شکوفایی تمدن های گذشته مربوط به شبه جزیره عربستان در شمال آن و هلال خصیب شامل عراق و اردن و فلسطین (شمال) و یا هلال جنوبی این سرزمین یعنی یمن رخ داده است. دلایل نسبی این امر همان طور که گفته شد بلحاظ شرایط خاص آب و هوایی بخش میانی این شبه جزیره بوده است. به عبارت دقیقتر و با استناد به کثرت آثار به جا مانده از

۱- قرآن کریم سوره احقاف، چهل و ششمین سوره قرآن، آیه ی ۲۱.
۲- مهتری شوشتری، عباس، فرهنگ کامل لغات قرآن، چاپ سوم، انتشارات گنجینه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۳ و ۱۴.

اقوام گذشته که در دو بخش ذکر شده و در قیاس با بخش میانی وجود دارد، " جز در عصر پیامبر اسلام (ص)، شبه جزیره عربستان تا قرن معاصر در حاشیه جنبش های تمدنی بزرگ قرار داشت و امپراطوریهای بزرگ سابق چون آشور و مصر و ایران و روم چندان توجهی به این سرزمین خشک و لم یزرع نداشتند و از شبه جزیره عربستان و جزیره العرب فقط یمن مورد توجه بود. حتی در موقعی که امپراطوری اسلام به اوج قدرت و وسعت خود رسید خلفا پایتخت خود را در مکه و مدینه قرار ندادند (به استثنای ۲۵ سال دوره خلافت سه خلیفه نخست)، بلکه در کوفه و دمشق و بغداد مستقر شدند که از لحاظ اقتصادی و استراتژیکی در موقعیت بهتری قرار داشتند."^۱

از دلایل عمده جابجایی مرکز قدرت مسلمانان، گسترش فتوحات و لزوم تسهیل ارتباطات و تأمین امنیت مناطق فتح شده و نیز کیفیت بالای آب و هوای مناطق جدید در قیاس با سرزمین عربستان بود. نتیجه این جابجایی چنان بود که :

" با خارج شدن مرکز خلافت از مدینه منوره به کوفه و شام، موقعیت عربستان امروزی به عنوان قطعه ای از جهان اسلام درآمد که فقط از جهت وجود مکه و مدینه اهمیت داشت. با اضمحلال حکومت عباسیان و بروز تشتت در خلافت آنان، این سرزمین بلافاصله به فرهنگ قبیله ای به شکل ملوک الطوائفی روی آورد. شرایط به وجود آمده هرگونه بالندگی و پیچیدگی خاص فرهنگ های کهن بود. آخرین خلافت اسلامی نیز که خلافت عثمانیان بود، پایتخت را در سال ۸۹۶ ه.ش (۱۵۱۷ میلادی) استانبول قرار داد."^۲

اسلام و ویژگی های فرهنگی عربستان

با پیدایش اسلام و گسترش فتوحات آن، دوره ای جدید در تحولات سرزمین عربستان بوجود آمد که فارغ از مباحث دینی و ایدئولوژیکی و هم راستایی آن با ادیان گذشته ابراهیمی یهود و نصرانیت، نوعی جایگاه جدید در معادلات جهانی از قرن هفتم میلادی تا بحال برای این سرزمین ایجاد شد.

۱- شیرازی، همان منبع، ص. ۱۷.

۲ - همان منبع، ص. ۱۷.

اما با تمرکز بیشتر در ابعاد جامعه شناختی عربستان دو عامل مذهب و قومیت را در این وحدت آفرینی نادر می توان برشمرد که عامل اول ریشه اعتقادی و روانی داشته لیکن عامل دوم با توجه به ساختار قبایلی و قومیتی خاص عربستان، جای تأمل دارد. در واقع از دیدگاه اجتماعی، این فرایند یک انقلاب بود و بطور کلی اجزاء سازنده پدیده انقلاب نیز در آن جای داشتند، چنانکه: "سه رکن اساسی در هر حرکت انقلابی که مورد قبول و تأمل اغلب جامعه شناسان انقلاب قرار گرفته، (ایدئولوژی)، (سازمان) و (رهبری) انقلاب است."^۱

به عبارت صریحتر رهبری جریان رو به رشد اسلام پس از نقش آفرینی ابعاد شخصیتی پیامبر اسلام(ص) در ساختار رهبری جامعه اسلامی، متکی بر سازماندهی نیرویی بر گرفته از سازمان و در اینجا همان قدرت اطاعت پذیری زیاد افراد از سیستم قبیله ای و طایفه ای بود که متأثر از بافت اجتماعی و خونی و اطاعت پذیری از رهبری قبیله بود. در تأیید این نکته و "بنا بر قول ابن خلدون، زندگی صحرا نشینی احتیاج به تعاون و عصیت دارد و آن نیز محتاج به وجود قرابت خونی است"^۲. این عصیت که همانا سختی در اراده و استقامت بر ستهاست متأثر از چنین قرابتی مستحکم می گردد. بدینسان در تبیین ویژگیهای زندگی قبیله ای، نگاهی به نقش رهبر قبیله در زندگی اجتماعی اعراب بسیار موثر می نماید.

"رهبر قبیله شیخ نامیده می شد که دو وظیه اصلی به عهده داشت. حکم کردن درون قبیله بین گروه های متخاصم و دیگری رهبری قبیله درباره مواردی نظیر درگیریها با نیروهای متخاصم دیگر قبایل و نظائر آن. شیخ معمولاً توسط اعضای شورای رهبری قبیله که آنرا مجلس می نامند انتخاب می شد. روش شیخ می بایستی هم آهنگ با خواسته های افراد با نفوذ قبیله باشد در غیر اینصورت مقام شیخیت او در معرض خطر حتمی بود. در اصل افراد خانواده های ویژه ای درون قبائل می توانستند به مقام شیخیت دست یابند. این اصل درباره ی پسر شیخ بیشتر صادق بود. هنگام انتخاب شدن شیخ، امتیاز وراثت شیخیت داشتن علیه مدعیان این مقام، کاربرد موثری داشت."^۳

۱ - شجاعی زند، علیرضا، برجه انقلابی در ایران، چاپ اول، مؤسسه چاپ و نشر عروج، فصل اول، ۱۳۸۲، ص ۶.
۲ - زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۰.

۳ - هالیدی، همان منبع، ص ۳۴.

بر این اساس فرهنگ و ویژگیهای اجتماعی جوامع ساکن در شبه جزیره و خاصاً آنانی که بصورت پراکنده زندگی می کردند در چارچوبی پذیرفته شده و بنحوی مسلم و استوار بود. این امر تبعاً در شکل و شیوه های کسب و حفظ قدرت و تداوم ارتباطات بین قبایلی، مؤثر و حائز اهمیت بوده است.

جستجو در ادوار تاریخی سرزمین عربستان و بررسی عوامل مؤثر در کسب و انتقال قدرت و حکومت، موبد این حقیقت می باشد که پذیرش و کسب مقبولیت عام و اصطلاحاً بیعت، در کنار تبعیت از بزرگان و روسای طوایف، از اهم شرایط فرهنگی و اجتماعی در بستر سازی مباحث قدرت و سیاست بوده که تا بحال نیز امری رایج می باشد.

تقسیمات جغرافیایی عربستان سعودی (بر اساس عوارض طبیعی)

همان طور که ذکر شد " موقعیت جغرافیایی عربستان، شرایط بیابانی آن و عبور مدار رأس السرطان، تاثیر مستقیمی بر شرایط آب و هوایی دارد. بر همین اساس سه نوع آب و هوا سرتاسر عربستان را فرا گرفته است، در قسمت وسیعی از کشور، صحرای خشک و خشن با آب و هوای گرم و خشک، در نواحی کوهستانی غربی آن آب و هوای معتدل و سواحل خلیج فارس دارای آب و هوای گرم و مرطوب می باشد."^۱

بر این اساس تقسیمات جغرافیایی در سرزمین عربستان برگرفته از ناهمواری های سطحی و پستیها و ارتفاعات مناطق آن به پنج قسمت عمده تقسیم می شوند که عبارتند از:

۱ - حجاز و عسیر که در قسمت غرب عربستان سعودی واقع بوده و با ارتفاعات ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر تشکیل دیواره ای جهت جداسازی دریای سرخ با فلات عربستان می دهد.^۲

۱- زراعت پیشه، نجف، برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی، سیاسی)، چاپ نخست، انتشارات موسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۷.

۲ - برگرفته از سایت www.wikipedia.com متعلق به کتابخانه کنگره آمریکا و با عنوان Free encyclopedia، از معتبرترین سایت های اینترنتی جهان. همچنین اطلس راهنمای کشورهای جهان (دفتر پنجم-کشورهای آسیا و اقیانوسیه)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۰، نقشه عربستان سعودی.